



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد.



۲۰۱۹/۰۵/۲۳

عبدالقیوم میرزاده

تأملی در باره تمایل به یک جانبه گرایی یا ذهنی گرایی

گرچه در باره تمایل و جانبداری یک جانبه غیر مستدل در سیاه مشق دیگری از این قلم زیر "عنوان سیری در توضیح تعصب، افراط گرایی، لجاجت، تقلید کور کورانه و پیش داوری" اشاره ای مختصر صورت گرفته است ولی دیده میشود که عده از نویسنده گان و قلم بدستان ما طراوش های ذهن شانرا در باره مسایل بسیار حاد ملی که مستلزم کاوش های بسیار ژرف کارشناسانه و مسلکی میباشد ارایه کرده و مردم را بر سر دو راهی ها و بعضاً چهاراهی ها قرار داده و قابلیت تصمیم گیری را از آنها سلب میکنند خواستم تامل بیشتر در این زمینه انجام داده و پهلو های مفید و مضر یک جانبه گرایی را و یا تمایل و جانبداری غیر مستدل را توضیح کنم.

یک جانبه گرایی یا تمایل به جانبداری از یک شخص، یک نظریه و یا یک موضوع بدون در نظر داشت درستی و یا نا درستی آن را تمایل و جانبداری ذهنی گرایانه که بزبان انگلیسی آنرا BIAS میگویند. یعنی اینکه ما در برابر یک شی، شخص، حزب، ملت و یا موضوعی خنثی نبوده و روایت خویش را در زمینه بدون ارایه دلایل منطقی ارایه میکنیم. این خصوصیت فطری بشر بوده و در درازنای تاریخ همراه با انسان تا به زمانه ای ما رسیده و هنوز هم بصورت دوامدار همراه با زنده گی بشر سیر دارد. بسیاری از مردم به این باور اند که تمایل یک جانبه و جانبداری و ابراز نظر ایشان نتیجه خود آگاهی آنها میباشد در حالیکه تحقیقات دانشمندان علوم روانشناسی و ادراک میرساند که ابراز نظر ما از جانبداری یک جانبه و تمایل به یک شی، شخص، سازمان، مردم و یا یک موضوع فرآورد ذهن ما است که بنابر تمایل ما آنرا روایت میکند و ما آنرا خود آگاهی میپنداریم.

روان شناسان چون دنیل کانمن Kahneman Daniel روان شناس امریکایی متولد ۵ مارچ ۱۹۳۴، پاول سلوویچ Slovic Paul متولد ۱۹۳۸ در شیکاگو امریکا روان شناس و استاد دانشگاه های استانفورد و میشیگان و آموس تیورسکی Tversky Amos (۱۹۳۸ - ۱۹۹۶) روان شناس و استاد دانشگاه های استانفورد و یوریشلیم در اوایل سالهای دهه هفتاد مفاهیم اصلی یک جانبه گرایی و یا ذهنی گری را بررسی کرده و نتایج کار مشترک شانرا در باره تمایل یکجانبه گرایی روانی یا ذهنی گرایی در سال ۱۹۸۲ در کتابی تحت عنوان "قضاوت در موارد نامطمین Uncertainty Under Judgment" منتشر کردند. آنها توصیه کردند که باید تصمیمات مهم را در همه عرصه های اقتصادی سیاسی و اجتماعی در قالب گفتمان های گروهی بگیری تا نتایج بهتری برایتان رقم بخورد. در غیر آن اسیر فرآورده های ذهنی یا ذهنی گرایی خطرناک میشوید که در علم روانشناسی به یکجانبه گرایی ذهنی یا ذهنی گرایی نیز معروف است، که عبارت است از تمایل به تصمیم گیری انفرادی غیر مستدل، ابراز نظر بی اساس و بی پایه و یا اقدام به شیوه ای غیرمنطقی. بطور مثال، شاید شما بطور ناخودآگاه استفاده ای جاگزین از اطلاعاتی بکنید که فرآورده های ذهنی شما را مهر تایید بگذارد و یا برای اثبات فرآورده های ذهن تان معلومات ها و اطلاعاتی را جمع آوری کنید. آنها همچنان توضیح کردند که انسانها بطور معمول تنفس میکنند بدون آنکه خودشان اراده کنند یعنی نفس کشیدن اینچنینی عملی است نا خود آگاه ولی همچنان اگر ما اراده کنیم میتوانیم تنفس خویش را تحت کنترل خویش گرفته و به هر سرعت که خواسته باشیم کوتاه و یا طویل تنفس کنیم یعنی تنفس آگاهانه یا خود آگاه به همین ترتیب تمام پدیده های نا خود آگاه را میتوان ذریعه تعقل و اندیشیدن سالم تحت کنترل در آورد و به این ترتیب ذهن اسیر تعقل هدفمند ما قرار خواهد داشت نه اینکه ما اسیر ذهن باشیم. تمایل ذهنی گرایانه درست نقطه ای مقابل اندیشیدن منطقی بدون سرحد و قضاوت معمول، واضح و معیار است و ممکن است که منجر به تصمیم گیری های نادرست و از دست دادن فرصت های فراوان شود. بطور مثال اگر من خودم کاری را انجام داده نتوانستم هزاران دلیل برایش فهرست میکنم تا به اطرافیان و مرتبترین کار متذکره به زعم خودم بقبولانم که دلایل ارایه شده باعث ناکامی ام بود ولی اگر کسی دیگری همان

د پانو شمیره: له 1 تر 3

افغان جرمن آنلاين په درنيت تاسو همكاري ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړيکه ټينگه كړئ maqalat@afghan-german.de

يادونه: دليكني دليكنيزې بڼې پازوالي د ليكوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليكنه له راليرو مخكې په خيږ و لولئ

کار را انجام داده نتواند اولین واکنش ما این است که این شخص نا کارا است و توان اجرای چنین کاری را ندارد بدون ارزیابی عیدیه دلایل که برای ناکامی خود آنرا فهرست کرده ایم، و یا اینکه اگر من راننده باشم و تصادف کنم، دلیلش کار نکردن برک و لشمی جاده است ولی اگر راننده دیگری تصادف کند گنهکار است که توجه نداشته، به اطراف اش خوب دقت نکرده و بموقع برک نگرفته است و مثالهای زیادی میتوان در این راستا ارایه کرد.

یک جانبه گرایی یا ذهنی گری یا بهتر خواهد بود بگویم اسیر ذهن بودن تا وقتی که پافشاری، پرخاشگری برای تکرار روایات پرداخته ای ذهن در میان نباشد آنقدر خطرناک نیست ولی اگر این یک جانبه گرایی در اندیشیدن، تفسیر، قضاوت، استدلال و نظریه پردازی اختلال ایجاد کند و باعث انحراف شخص و بوسیله آن جامعه بصوب انحرافی سوق داده شود نهایت خطرناک بوده و در کل معادل تعصب جامعه را به بیراهه کشانده و نتایج ویرانگری به جامعه و مردم دارد. تمایل بیش از حد به قیاس کردن در بسا مسایل مبرم و حیاتی، به ابهامات اتکا کردن و از تأثیر آن بر مسایل مطرح بحث سو استفاده کردن، تأکید بیش از حد و لنگر انداختن بالای یکی از ویژه گی های مسایل مورد بحث و از نظر دور انداختن سایر دلایل و استدلالات منطقی، شخصیت سازی های تصنعی، بزرگ نمایی و اغراق در تعاریف اشیا، اشخاص و حیوانات، گرد آوری اطلاعات برای قابل توجه ساختن تمایلات ذهنی گرانه و اعتقادات و باور های مذهبی، سیاسی، ایدئولوژیک و قومی که اشخاص بدون هیچ دلیل موجه به آن پابند بوده و همه ما حول خویش را با سنجه باور بی بنیاد خود به ارزیابی میگیرند، از جمله ذهنی گری هایی است که انسانها را از مسیر علمی و منطقی تفکر بدور ساخته و به کج راه و بیراهه میکشاند که در مسایل اهم کشوری، جامعه و مردم را شدیداً زیانمند میسازد.

همان طوریکه در بالا متذکر شدم یک جانبه گرایی یا ذهنی گری که ما آنرا اسیر ذهن بودن نیز تفسیر کردیم همگام با زنده گی بشر تا زمانه ای ما سیر کرده پس چگونه میتوان از اسارت ذهن خود را وارهاند و ذهن را اسیر خویش یا تعقل ساخت؟ بشر در دنیای پر از راز و رمز تا کنون توانسته بر اساس پرسشگری، تفکر نقادانه، شک و تردید و ارزیابی حاصل تفکر هوشیارانه و سالم مهارت فکری خویش را بالا برده است. این پرسشگری را در حوزه روانشناسی و جامعه شناسی پرسشگری سقراطی و یا دیالکتیک جدل هم یاد میکنند، بر اساس این روش روی هر موضوعی از سطح خانواده مبدأ تا سطح اداره کشور و مسایل جهانی بحث آزاد و سوال و جواب متوالی و هدفمند راه اندازی شده، موافقین و مخالفین مسایل مطرح بحث هرکدام صف ارایه کرده و دلایل علمی و محک تجربه خورده خویش را مطرح کنند و هر دو جانب موافق و مخالف برای رد دلایل ارایه شده استنباطات علمی، واقعیت های عینی و عملی مطرح کنند و به این ترتیب به نتیجه علمی و عملی و مورد توافق اکثریت میرسند.

در کشور ما تدویر جرگه ها و لویه جرگه بحیث یکی از بدوی ترین شیوه های مباحثه (آزاد) گاه گاهی راه اندازی شده که بنا بر موجودیت اکثریت محافظه کاران قومی و مذهبی در این جرگه ها، این مجالس هیچ گاهی در تاریخ مظهر اراده جمعی نبوده و تصامیم اش نیز منافع عموم مردم را منعکس نکرده است بلکه بالعکس در زمان حاکمیت شاه امان الله باعث عقب گرد آن شاه ترقی خواه از طرح های عمرانی و ترقی خواهانه اش گردیده و راه را برای سرنگونی اش باز گرداند.

اما آنچه در این زمینه برای کشور ما که دشمنان اش بصورت مستمر برای بی ثبات سازی حاکمیت و اداره کشور و غرض تشدید مخالفت ها و ادامه بحران شعار های مخالفت را چون لقمه های از قبل آماده شده بدهن مردم ما که سطح درک و فهم شان از منافع ملی کشور بسیار نازل بوده و توانایی تفکر علمی و سالم را در این عرصه ندارند داده و هر موردی از موارد اجراءات حکومت را بیاد نا سزا گرفته و در اکثر موارد یکنفر (رییس جمهور) و یا ندرتا یک نفر دیگر را هم همراهش مسول میدانند. این کوتاه نگران هر مسئله، هر اتفاق و هر حرکتی که حتی در آن منافع ملی کشور نهفته است، را بار منفی داده و بر علیه آن قد علم میکنند. دولت به منظور رهایی از وابستگی اقتصادی و ترانزیتی کشور راه ها و چهار راه های جدید دست و پا میکند که به ان ترتیب ما از وابستگی پاکستان فارغ میگردیم و در پهلوی آن هزاران محل کار جدید ایجاد میگردد ولی کوتاه نگران ده ها بهانه بی بنیاد برایش می آورند تا این مسئله اهم ملی را که حتی پاکستانی ها به آن معترف اند نه تنها فاقد اهمیت جلوه میدهند بلکه آنرا معادل خیانت معرفی میکنند، اگر دولت زور گویان، اوباشان قطاع الطریق را دستگیر میکنند از آنها یک شبه قهرمانان ملی میسازند و به همین ترتیب صد ها مقال دیگر. این طرز برخورد مردم ما خاصاً درس خوانده گان مرا به یاد قصه سفر ملا نصرالدین با پسرش و خرش می اندازد:

در روزگاران قدیم روزی ملا نصرالدین با پسرش عزم سفر کردند و خر ملا نصرالدین هم یگانه وسیله حمل و نقل شان در این سفر همسفر شان بود. ملا و پسرش سوار بر خر از قریه ای میگذشتند ساکنین دفاع از حقوق حیوانات قریه به حاکم شکایت کردند و حاکم ملا را به اتهام حیوان آزاری مجازات کرد، بعد این مجازات ملا خود سوار بر خر و پسرش بدنبال خر از قریه بعدی رد میشدند که اهالی حمایت از کودکان قریه از این بابت به حاکم شکایت کردند و ملای بیچاره را به اتهام کودک آزاری مجازات کردند. ملا بعد از مجازات در ادامه سفر پسر را سوار خر کرده و خودش با پای پیاده بدنبال روان گشت اهالی سنت پرور و سنت باور قریه از این عمل زشت مغایر سنت های مرسوم به حاکم شکایت کردند و حاکم ملا را به اتهام اینکه نتوانسته پسرش را طبق سنت های رایج تربیت کند

مجازات کرد. ملا نصرالدین مظلوم و پسرش بعد این مجازات با پای پیاده به دنبال خر روان گشتند این بار تجدد پسندان قریه به حاکم شکایت کردند که احمقی با پسرش با پای پیاده بدنبال خر فربه و تتومندی روان اند، حاکم ملا را به اتهام حماقت اش که ممکن است دامنگیر همه قریه شود مجازات کرد. بعد این مجازات ملا پسرش را بالای خر سوار کرده و خر را بر سر شانه کرده روان گشت و این جریان همینطور ادامه داشت. در کشور ما وضعیت نقد و انتقاد همین گونه است، از بحث مستدل و آزاد اندیشانه خبری نیست، از پرسشگری سقراطی و دیالکتیک جدل خبری نیست. همه مردم کشور از دست فروش کنار جاده تا آن بالای بالا بد طولایی در علم سیاست داشته و تجربه شان هم از ریاست جمهوری کمتر نیست زیرا موضوع مورد بحث همه ریاست جمهوری است.

به نظر من بهتر خواهد بود تا حکومت سیستم تفکر سالم نقاد را شامل سیستم تدریسی مکاتب و مراجع تحصیلات متوسط و عالی گردانیده و تمرین تفکر علمی نقد بدون دشمنی، تعصب، انفصال و محو فزیکدیگری از همان آوان کودکی آغاز گردد تا مردم تفکر های غیر از باور خود شان را دشمن خونی و واجب القتل نپندارند، بلکه شیوه های نقد در فضای همدلی، همیاری، برادری، عقلانی، بدون تعصب و انتقاد از خود را فرا بگیرند. آنها به قدرت تفکر سالم باور پیدا کنند و فرا بگیرند که پاسخ درست به همه سوالات و هنجار های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی وقتی دریافت میگردد که سوال و معضل مورد تدقیق، تحقیق و پژوهش علمی قرار گیرد. اساساً کار فردای همه آن شاگردان و محصلین همان مسایلی اند که امروز جامعه به آن روبرو است بنا بر راه اندازی همچو تمرینات در صنف های درسی و مراجع تحصیلات متوسط و عالی و خاصاً بحث مسایل داغ روز در کلیه مراجع تحصیلی از یکطرف نتیجه گیری های علمی برای ادارات ذیربط بدست میدهد و از جانب دیگر اکثریت مردم در همچو امور بصورت مستدل خود را دخیل میدانند، و فردا ها همین شاگردان امروز به فرهنگ تفاهم، تساند، همکاری، همیاری، باورمند واقعیت ها، اعتماد و اعتماد به نفس باور و ایمان پیدا کرده و قدرت تشخیص خوب و بد، درست و غلط، انصاف و تظلم را در خود میبینند.

پایان

عبدالقیوم میرزاده مورخ ۶ مارچ ۲۰۱۹